

An Analysis of the Role of Gender Identity in Selected Plays by David Hare

Shabnam Mahdizadeh Khodayari,¹ Jalal Sokhanvar²

¹ Ph. D Student, Department of International Relations, Faculty of Politics, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: sh.mahdizadehkhodayari@iau.ir

² Full Professor, Department of English Language and Literature, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: j-sokhanvar@sbu.ac.ir

Received: May 2025
Published online: June 2026

*Corresponding author:
Full Professor, Department of English Language and Literature, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
E-mail: j-sokhanvar@sbu.ac.ir

Citation:
Sokhanvar, Jalal. Mahdizadeh Khodayari, Shabnam. An Analysis of the Role of Gender Identity in Selected Plays by David Hare. *Critical Language and Literary Studies*. 2026 June; 23(37)
<https://doi.org/10.48308/CLLS.2025.239659.1337>

Abstract:

Introduction: This article examines the role of gender transfiguration in David Hare's *My Zinc Bed*, and *A Map of the World* in the light of Judith Butler's theory of Gender Performativity. It investigates whether what Hare's characters performed through their body and discourse were the internal features in them or the hallucinatory effects of their naturalized and gendered bodies. Butler asserts that performativity is a ritualized production and a constrained reiteration of cultural intelligibility under the compulsory prohibition pressed by the power regimes. Based on what Butler asserts, the culture constructs gender, which is understood concerning a set of laws. It seems that gender is as fixed as the biology-is-destiny formulation in which culture, not biology becomes destiny, and the domain of gendered subjects is constituted by the body which is itself a construction.

Works of the prolific writer, David Hare, have been studied by many researchers and critics from different points of view, yet, none of them has underlain the tenets of this research. Stephen Coates in his thesis "Alien Nation: David Hare's History Plays" examines seven plays of Hare, among which *Pravda* exists. He considers the socio-historical background of Britain after the Second World War and capitalist-patriarchal system, which results in psychological damages mostly on the middle class. Coates challenges the political concepts of Karl Marx, Antonio Gramsci, and Herbert Marcuse, relating them to the oppression of different social spheres. Coates studies the significant effects of media on the society as well as the tension that each member of the newspaper industry deal. The hypocrisy of the English press, which propagates false news to the civilians, is the main theme of *My Zinc Bed* is faith to disillusionment in Thatcherian postwar as the title refers to an image of death. All significations happen in the circulation of the required form of repetition. Obedience is the primary principle in the discourse of AA meetings where both Paul and Elsa used to attend after they quit drinking. The performativity of such a discourse affected their body to the extent that caused both of them to betray Victor while what they experienced was not real love but the love of trouble. In *A Map of the World*, Stephen as an English journalist practices the social norms of his own culture when he stays in the same hotel with Mehta and Peggy in India. Their stylized bodies receive strict cultural laws based on the gender norms of the society. Hence,

the bodily discourses gave the agents the feasibility to establish their intelligible social existence.

It can be concluded from *My Zinc Bed* and *A Map of the World* that the agent cannot be known feasible out of the practices of cultural discourse. The AA meetings in *My Zinc Bed* and the years of living in England in *A Map of the World* transfigured the bodily discourse of Elsa, Paul, and Mehta. Attending AA cults caused both Elsa and Paul to reiterate and perform a kind of discourse, which prohibited them from any kind of addiction. The passive medium of Peggy's body in *A Map of the World* was materialized in the American cultural discourse. Affected by the English cultural discourse, Mehta performed the theatricality of English self-representation, which failed to conform to the Indian

naturalized cultural hegemonies thus resulting in his unintelligibility. The socially forcible prohibitions create the discursive conditions in which an individual attempt to constitute a hallucination of naturally standard bodily interactions.

Keywords: Bodily discourse; Gender Reality; Identity; Intelligible Gender; Performativity

مقاله پژوهشی

بررسی نقش هویت جنسیتی در نمایشنامه های برگزیده دیوید هیر

شبیم مهدی زاده خدایاری^۱، جلال سخنور^۲^۱ دانشجوی دکترای روابط بین الملل، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.ایمیل: sh.mahdzadehkhodayari@iau.ir^۲ استاد تمام، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)، ایمیل: j-sokhanvar@sbu.ac.ir

چکیده

این مقاله به بررسی نقش دگرگونی جنسیت در نمایشنامه های تخته خواب رویین من و نقشه ی جهان اثر دیوید هیر در چارچوب نظریه ی «اجراگری جنسیت» جودیت باتلر می پردازد. هدف پژوهش این است که مشخص کند آیا آن چه شخصیت های هیر از طریق بدن و گفتمان خود اجرا می کنند، بازتاب ویژگی های ذاتی و درونی آنهاست یا محصول تأثیرات بدن های جنسیت یافته ی آن ها بمدد تکرار هنجارهای فرهنگی. بر اساس دیدگاه باتلر، اجراگری جنسیتی به مثابه برساخت اجتماعی، تحت سلطه ی ممنوعیت های تحمیل شده توسط رژیم های قدرت، فهم پذیری فرهنگی سوژه را بازتولید می کند. از سوی دیگر، فرد با جنسیت معین شده متولد نمی شود، بلکه به واسطه ی تکرار فرآیندهای گفتمانی متأثر از هنجارهای فرهنگی جامعه، به سوژه ای تبدیل می شود که جنسیت زن/مرد در بدن او تعریف شده و به مرور زمان شکل می گیرد. تحلیل نمایشنامه های تخته خواب رویین من و نقشه ی جهان نشان می دهد که جنسیت های سیال شخصیت های هیر در چارچوب هژمونی فرهنگی، دچار فرازها و فرودهایی می شوند که منجر به بازنمایی بدن هایشان منطبق با هنجارهای اجتماعی می شود. در این راستا، گفتمان های بدنی به شخصیت ها امکان می دهد تا موجودیت اجتماعی معقول و فهم پذیر خود را تثبیت کنند. این در حالیست که امیال ذاتی، بدن ما را به سمت بازنمایی خود به عنوان سوژه ای پیرو واقعیت جنسی مان سوق می دهند، و این بازنمایی ها که به ظاهر ذاتی جلوه می کنند، در واقع تحت تأثیر سازوکارهای گفتمانی و فرهنگی قرار داشته و مسیر اجرای جنسیت را تعیین می کنند.

کلید واژگان: گفتمان بدنی؛ واقعیت جنسیتی؛ هویت؛ جنسیت فهم پذیر؛ اجراگری

تاریخ دریافت: اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: تیر ۱۴۰۵

* نویسنده مسئول:

جلال سخنور، استاد تمام، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: j-sokhanvar@sbu.ac.ir

ارجاع به مقاله:

مهدی زاده خدایاری، شبیم، سخنور، جلال. بررسی نقش هویت جنسیتی در نمایشنامه های برگزیده دیوید هیر. فصلنامه نقد ادبی و ادبیات خارجی، دوره ۲۳، شماره ۳۷

<https://doi.org/10.48308/>[CLLS.2025.239659.1337](https://doi.org/10.48308/CLLS.2025.239659.1337)

مقدمه

و در سال ۱۹۷۳ مؤسس شرکت تتاثر جوینت استاک بود (Rabey 2003, 236). هیر در دوران فعالیت حرفه ای خود، ایدئولوژی های نسل جوان نویسندگانی را بازتاب داد که تحت تأثیر فضای سیاسی آن زمان، گرایش های سیاسی پیدا کرده بودند. این نمایشنامه نویس بریتانیایی، بیش از سی نمایشنامه و بیش از دوازده فیلمنامه نگاشته است و موفق به دریافت جوایزی همچون بفتا، لیور و خرس طلایی

دیوید هیر (متولد ۱۹۴۷) یکی از برجسته ترین نویسندگان نسل دوم پس از جنگ جهانی دوم در بریتانیا است. او دانش آموخته کالج جیزز دانشگاه کمبریج زیر نظر ریموند ویلیامز، نظریه پرداز مارکسیست است. هیر در سال ۱۹۶۸ یکی از بنیانگذاران تتاثر چپ گرای تتاثر سیال^۱

1. Joint Stock

چنین روابط جنسی آزادانه‌ای ابزاری برای توانمندسازی و آزادی زنان است، در حالی که در واقع، از سوی مردان به مثابه یک شیء نگریسته می‌شود. استیون از شرکت در مناظره امتناع کرده، هتل را ترک می‌کند و در همان روز طی یک سانحه‌ی قطار جان خود را از دست می‌دهد. در نمایشنامه‌ی تختخواب رویین من، هیر اعتیاد را به منزله استعاره‌ای از هرگونه رفتار اجتماعی به کار می‌گیرد که فرد را تحت سلطه‌ی دسته‌بندی‌های گفتمانی قرار می‌دهد. در واقع، کنش‌های ناسازگار السا، تجسم بدنی او را نه بر اساس هنجارهای جنسیتی زنانه، بلکه بر اساس آنچه خود مایل به انجام آن است، شکل می‌دهد. در گفتگو با پاول، السا نشان می‌دهد که هر دو به دلیل بازتعریف‌های گفتمانی مشابهی که در جلسات الکلی‌های گمنام AA تمرین کرده و کسب کرده‌اند، تحت سلطه قرار گرفته‌اند.

این مقاله با بهره‌گیری از خوانش باتلر از مفاهیم فوکویی، به فهم جنسیت به مثابه نوعی عملکرد وابسته به بافت اجتماعی می‌پردازد که در آن بدن‌ها از طریق زبان و هنجارهای غالب قابل شناسایی می‌شوند یا طرد می‌گردند. بر این اساس، نمایشنامه‌های مورد بررسی نه فقط به عنوان متونی ادبی، بلکه همچون عرصه‌هایی برای بازنمایی ساختارهای مسلط و مقاومت‌های ممکن نسبت به آن‌ها تحلیل می‌شوند. متن در اینجا فضایی است که در آن بدن، هویت و خواست قدرت درهم‌تنیده می‌شوند و مخاطب را به تأمل در مرزهای میان آنچه قابل پذیرش، طبیعی و مشروع تلقی می‌شود و آنچه طرد یا حذف می‌گردد، فرا می‌خواند. حوزه‌ی فرهنگی فهم‌پذیری هویت، دلالت بر آن دارد که نقش‌های جنسیتی به صورت فرهنگی ساخته شده و از طریق تکرار نقل قول‌های هنجاری بر افراد تحمیل می‌شوند. مقاله‌ی حاضر بر آن است تا با تکیه بر چارچوب نظری جودیت باتلر^۱، به بررسی

شده است. او در سال ۱۹۹۸ به مقام شوالیه مفتخر شد. در نمایشنامه‌ی تختخواب رویین من، ویکتور، میلیونری کاریزماتیک و تاجری موفق، از همان آغاز نمایشنامه با حضور پاول پیلو، شاعری الکلی که در حال بهبودی است، به‌سوی سرخوردگی در زندگی خود سوق داده می‌شود. پاول که هیچ تجربه‌ای در زمینه‌ی تجارت ندارد، به پیشنهاد ویکتور شغلی دریافت می‌کند. از این رو، ویکتور مرد جوان و ضعیفی به نام پاول را به خانه‌ی خود دعوت کرده و او را با همسر جذابش، السا، آشنا می‌کند. السا که پیشتر معتاد به الکل بوده و با کمک ویکتور بهبود یافته است، رابطه‌ای عاشقانه با پاول آغاز می‌کند که این رابطه چندان دوام نمی‌یابد و سرشار از ابهام و تردید است. السا و پاول هر دو در جلسات الکلی‌های گمنام AA شرکت کرده و در یک دوره‌ی گفتمانی مشابه برای بهبودی قرار دارند. سرانجام، پاول السا را ترک می‌کند، شرکت ویکتور ورشکست می‌شود و او در نهایت در سانحه‌ی رانندگی جان خود را از دست می‌دهد.

در نمایشنامه نقشه‌ی جهان شخصیتی به نام ویکتور مهتا، رمان‌نویس راست‌گرای هندی تبار که در انگلستان تحصیل کرده است، برای شرکت در کنفرانس یونسکو درباره‌ی فقر جهان سوم به کشورش باز می‌گردد. استیون اندرو، روزنامه‌نگار جوان و چپ‌گرای انگلیسی، در همان هتل در بمبئی با ویکتور ملاقات کرده و این دو درباره‌ی نقش غرب در کمک به جهان سوم بحث می‌کنند. قرار است استیون در کنفرانسی که مهتا در آن سخنرانی دارد، شرکت کند. پگی ویتون، زن سفیدپوست اهل جهان اول، یکی از شخصیت‌های زن این نمایشنامه است که علیرغم داشتن اقتدار اخلاقی، فاقد عاملیت است. پگی با اعمال قدرت بر مردان، خود را به‌عنوان جایزه‌ی جنسی به فرد پیروز در مناظره عرضه می‌کند. این بازیگر زیبا شب گذشته را با ویکتور سپری کرده و معتقد است که

1. Judith Butler

چگونگی شکل‌گیری و بازنمایی هویت‌های جنسیتی در دو نمایشنامه‌ی تخت خواب رویین من و نقشه‌ی جهان اثر دیوید هیر پردازد. در این تحلیل، جنسیت نه به‌عنوان امری ذاتی و زیستی، بلکه همچون ساختاری اجتماعی و گفتمانی در نظر گرفته می‌شود که در بستر زبان، فرهنگ و روابط قدرت تولید و تثبیت می‌گردد. این پژوهش با تمرکز بر بدن به مثابه عرصه ظهور هنجارها، به دنبال آن است که نشان دهد چگونه کنش‌های تکرارشونده، رفتارهای نهادینه و اعمال روزمره در تکوین یا به چالش کشیدن هویت جنسیتی نقش دارند. پژوهشگر در ادامه این مقاله به پاسخ این پرسش می‌پردازد که آیا گفتمان بدنی در سوژه‌های نمایشنامه‌های مذکور، اجراگری جنسیتی تعریف شده برای یک سوژه بر اساس دوگانگی زن/مرد است؟ بر این اساس، پرسش‌های زیر مطرح میشوند:

۱. محدودیت‌های هنجارهای گفتمانی اجباری/فرهنگی چگونه امکان بازتولید هویت در بدن‌هایی را که در نمایشنامه‌های تخت‌خواب رویین من و نقشه‌ی جهان در جامعه شکل گرفته‌اند، تحت کنترل قرار می‌دهند؟
۲. تا چه میزان اجرای گفتمان در نمایشنامه‌های تخت‌خواب رویین من و نقشه‌ی جهان، بدن‌های افراد را به‌عنوان ابزاری منفعل به ماده تبدیل می‌کند؟

پیشینه‌ی تحقیق

آثار نویسندگی مشهور، دیوید هیر را، پژوهشگران و منتقدان بسیاری از دیدگاه‌های مختلف بررسی کرده‌اند، با این حال، هیچ‌کدام از آن‌ها مبانی این پژوهش را مدنظر قرار نداده‌اند. دیانا پرسدا در مطالعه‌ی خود با عنوان «دیوید هیر: حمله به سنت انسان‌گرایانه‌ی درام اجتماعی»، به ریشه‌ی این دیدگاه می‌پردازد که تئاتر بازتاب زندگی است. او بیان می‌کند که نمایشنامه‌های هیر تجلی باور او به این اصل هستند که تئاتر باید واقعیت اجتماعی را بازتاب دهد.

تمرکز محوری مقاله‌ی او با پژوهش پیشنهادی پیرامون «مسئله‌ی جنسیت» در آثار هیر که هدف اصلی این مقاله است، متفاوت می‌باشد. «خاطرات انگلستان: هویت بریتانیایی و بلاغت افول در درام پس از جنگ بریتانیا، ۱۹۵۶-۱۹۸۲» عنوان رساله‌ای از آدام دنیل نولز است. او در فصل سوم مقاله‌ی خود برخی از نمایشنامه‌های دیوید هیر را همراه با آثار هاوارد برنتون بررسی می‌کند و به مفهوم «جنگ مردمی» و شکست جناح چپ می‌پردازد. این فصل عمدتاً درباره‌ی همکاری‌های هیر و برنتون و تفاوت دیدگاه‌های آن‌ها در زمینه‌ی سیاست است. نولز توضیح جامعی درباره‌ی «تئاتر پرتابل» و «تئاتر حاشیه‌ای» در اواخر دهه‌ی شصت و هفتاد ارائه می‌دهد و این جنبش‌های نمایشی را برآمده از خشم و اعتراضات جناح چپ جامعه میدانند.

آدام گروستی در مقاله‌ی خود با عنوان «باعث شد چه احساسی پیدا کنید؟ استفاده از ساختار برای انتقال مضمون» به چالش‌های زیبایی‌شناختی تئاتر سیاسی معاصر می‌پردازد. او دیوید هیر را نمایشنامه‌نویسی میدانند که می‌کوشد مسئله را از طریق ابداع تکنیک‌های جدید در حوزه‌ی رسانه‌ای حل کند. لوری فیف در مقاله‌ی خود با عنوان «تئاتر سیاسی پس از یازده سپتامبر: عصر نقل قول مستقیم، شهادت و آموختن از جهان‌های خیالی»، مفهوم تئاتر نقل‌قول مستقیم^۱ را در نمایشنامه «چنین اتفاق می‌افتد» از دیوید هیر بررسی می‌کند. این نمایشنامه بر اساس رویدادها و شخصیت‌های واقعی همراه با انواع دیگری از شواهد ساخته شده است، که به ساختار قهرمان تراژیک در طرح ارسطویی اشاره می‌کند. بنابراین، این نمایشنامه روایت تاریخی ضروری و مهمی درباره‌ی پیامدهای قدرت در عرصه‌ی جهانی ارائه می‌دهد. این

1. Verbatim Play

مقاله از نظر موضوع و محتوا شباهت زیادی به مقاله‌ی پیشین آدام گروستی دارد.

رومینا پنا آنیو مقاله‌ای با عنوان «پنجره سقفی دیوید هیر: زمانی که سیاست شخصی می‌شود» در مجله‌ی آفرینش هنری و پژوهش ادبی منتشر کرده است. او برای دستیابی به هدف پژوهش، شخصیت کیرا در نمایشنامه‌ی «پنجره سقفی» را در تقابل با چهره‌ی مارگارت تاچر تحلیل می‌کند. بنابراین، دیدگاه جامعه‌شناختی سیاسی آنیو نسبت به این نمایشنامه با رویکرد باتلری که هدف اصلی این پژوهش است، تفاوت دارد، اما در بخش تحلیل شخصیت، هر دو پژوهش بازتولید هویت کیرا را از دو منظر متفاوت بررسی می‌کنند. استیون کوانس در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان «ملت بیگانه: نمایشنامه‌های تاریخی دیوید هیر»، هفت نمایشنامه از هیر از جمله «پراودا» را بررسی می‌کند. او به زمینه‌ی اجتماعی-تاریخی بریتانیا پس از جنگ جهانی دوم و نظام سرمایه‌داری-پدرسالاری می‌پردازد که عمدتاً باعث آسیب‌های روان‌شناختی به طبقه‌ی متوسط شده است. کوانس مفاهیم سیاسی کارل مارکس، آنتونیو گرامشی و هربرت مارکوزه را به چالش می‌کشد و آن‌ها را به سرکوب در حوزه‌های مختلف اجتماعی مرتبط می‌سازد. او همچنین تأثیرات مهم رسانه بر جامعه و تنش‌هایی را که اعضای صنعت روزنامه‌نگاری با آن مواجه هستند را بررسی می‌کند. مسأله‌ی اصلی کوانس در این پایان‌نامه، ریاکاری مطبوعات انگلیس و انتشار اخبار کذب برای مردم است.

در رساله‌ی دکتری با عنوان «از خشونت تا مقاومت: نقد هنجارها از دیدگاه جودیت باتلر»، سانا کارهو بررسی می‌کند که چگونه باتلر رابطه‌ی میان هنجارها و خشونت را بر اساس مفهوم نقد و مقاومت نظریه‌پردازی کرده است. اهداف اصلی این رساله، تحلیل چگونگی مفهوم‌سازی پیوند میان استانداردها، خشونت و عدم خشونت توسط

باتلر است. پیامدهای اخلاقی و سیاسی نظریه‌پردازی باتلر درباره‌ی هنجارها، محور دیگر این پژوهش محسوب می‌شود. نویسنده، زمینه‌ی نظری فمینیستی باتلر و برداشت او از عادی‌سازی جنسیت را در اندیشه‌ی مونیک ویتینگ روشن می‌سازد. در نهایت، کارهو تمایل عمومی به درک باتلر در مقام یک انسان‌گرای انتقادی را به چالش کشیده و تأکید ویژه‌ای بر تحلیل او از سوگواری در نقد هنجارها دارد.

بر اساس رساله‌ی «چگونه با باتلر کار کنیم: پژوهشی درباره‌ی منشأ، ارجاع و کاربرد نظریه‌ی اجرماندی جودیت باتلر» از سارا کلایس، حجم تصاویر مرد یا زن نرمال از طریق مجلات، تلویزیون و رسانه‌های اجتماعی، معنای آنچه «عادی» تلقی می‌شود را دگرگون کرده است. خوانندگان و بینندگان این تصاویر را به‌عنوان بازنمایی‌هایی از آنچه یک مرد یا زن باید به نظر برسد، مشاهده می‌کنند. دغدغه‌ی اصلی فیلسوف، جودیت باتلر، نیز این است که چه چیزی به‌عنوان «عادی» تعریف و شناخته می‌شود. تمرکز اصلی این رساله تنها بر اجرای جنسیت و کنش‌های بدنی نیست، بلکه بررسی چگونگی فرض وابستگی میان جنس و میل در ماتریس دگر جنس‌گرایی نیز از اهداف اصلی این پژوهش محسوب می‌شود.

پایان‌نامه‌ی امی ماری هاف با عنوان «بررسی برخی مفاهیم منتخب از جودیت باتلر: با کاربرد در درک هویت جنسیتی در کار اجتماعی با نوجوانان زن به حاشیه رانده‌شده»، به این موضوع می‌پردازد که شکل‌گیری هویت در تعامل فرد با محیط پیرامون او رخ می‌دهد. هدف اصلی این پژوهش تحلیل چگونگی ادغام نظریه‌های انتقادی و پساساختارگرایانه در کار اجتماعی است. این پایان‌نامه با استفاده از نقد فمینیستی باتلر و نظریه‌ی هویت جنسیتی، نحوه‌ی مطالعه و بررسی نوجوانان زن طردشده را تحلیل می‌کند. کریستینا بروک در پایان‌نامه‌ی خود با

جنبه‌ی مرکزی «بدن» و «گفتمان» در یک فرد، به تحلیل مفهوم «اجراگری جنسیت» می‌پردازد.

روش‌شناسی

بررسی مفاهیم کلیدی جودیت باتلر

آثار جودیت باتلر مبنای نظری این پژوهش برای بررسی نمایشنامه‌های هیر قرار گرفته‌اند. پژوهش‌گر تلاش کرده است تا از مفاهیم اجراگری^۱، جنسیت فهم پذیر و گفتمان بدنی باتلر بهره‌گیرد. در کتاب آشفتگی جنسیتی^۲ که به تحلیل اندیشه‌های متفکرانی چون فوکو، لاکان، کریستوا و ویتیک می‌پردازد، باتلر دگر جنس‌گرایی را در نظریه‌ی ادبی فمینیستی نقد کرده و می‌کوشد تا نشان دهد که چگونه عادت‌های فرهنگی و خشونت‌آمیز، امکان زیست جنسیتی را محدود می‌کنند. آشفتگی جنسیتی در تلاش است تا گفتمان‌هایی را که تابوهای جنسی و جنسیتی نامشروع تلقی می‌کنند را تضعیف کند و تا حد امکان از بین ببرد. باتلر با این دیدگاه که سلسله مراتب جنسیتی و دوگانگی زن/مرد شرایط لازم برای هژمونی دگر جنس‌گرایی را فراهم می‌کند، مخالف است. برعکس، او معتقد است که هژمونی دگر جنس‌گرایی و هنجارهای جنسیتی را رژیم‌های قدرت تعیین کرده و به شدت کنترل می‌کنند چرا که ممکن است ظاهر فیزیکی یک سوژه مذکر بوده ولی اجراگری گفتمانی، جنسی و اجتماعی او در چارچوب منطبق با جنسیت پیش فرض او قرار نگیرد، که در این صورت ممکن است توسط جامعه مورد سرکوب و نکوهش قرار بگیرد. باتلر با الهام از اندیشه‌های میشل فوکو، گفتمان را به مثابه شبکه‌ای از قواعد، نهادها، هنجارها و دانش‌هایی در نظر می‌گیرد که نه تنها بدن، بلکه جنسیت، هویت و روابط

عنوان «تکرارها: بنیان‌های انتقادی بلاغت جودیت باتلر» به بررسی بافت‌ها و سبک‌های نگارش باتلر می‌پردازد. بلاغت باتلر با تلاش برای مقابله با مرزهای فهم اجتماعی و فرهنگی، ادبیات ژورنالیستی و دانشگاهی گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است. تمرکز این پژوهش بر چگونگی بیان و بازنگری زبان هگل، فروید، فوکو و لویناس توسط باتلر است. نویسنده همچنین صحنه‌های دوگانه‌ی همانندسازی و انکار را در آثار باتلر تحلیل کرده و به مسائل مربوط به سوژه گی انتقادی مدرن می‌پردازد.

رساله‌ی میشل بورینگ با عنوان «رهبری در مرز: جنسیت، جنس و تمایلات جنسی در سازمان‌های پیش از حد جنسیتی شده» استدلال می‌کند که ادبیات رهبری به تفاوت‌های میان زنان و مردان توجه اندکی داشته است. چارچوب مفهومی نویسنده برگرفته از نظریه‌ی اجراندی جنسیت و ماتریس دگر جنس‌گرایی باتلر است. او با ۳۴ رهبر از جنسیت‌ها، هویت‌های جنسی و گرایش‌های جنسی مختلف مصاحبه کرده است. مهم‌ترین یافته‌ی او این است که برای این افراد، بدن آن‌ها نسبت به جنسیت و تمایلات جنسی‌شان در پیشرفت رهبری‌شان در نظام‌های به شدت جنسیتی‌شده، اولویت دارد.

در مقاله‌ی جمیما ریو با عنوان «هرکولین باربین و حذف زیست‌سیاست از تبارشناسی جنسیت جودیت باتلر»، نویسنده به بررسی شکل‌گیری نظریه‌ای می‌پردازد که تعامل باتلر با دیدگاه میشل فوکو درباره‌ی هرکولین باربین را تحلیل می‌کند. ریو به جای رویکرد صرفاً جنسیتی، خوانشی زیست‌سیاسی از چگونگی تسلط گفتمان‌های جنس و تمایلات جنسی بر بدن مادی ارائه می‌دهد. به تبع آن، پرسش‌های اساسی مطرح می‌کند که به سمت یک تبارشناسی جنسیت با رویکردی صریحاً فوکویی سوق پیدا می‌کند. این مقاله با هدف شناسایی

1. Performativity

2. Gender Trouble

3. Discursive Language

4. Bodies that Matter

جنسیت را نوعی کنش بداهه در چارچوب محدودیت‌های اجتماعی میدانند. از دیدگاه او، افراد همواره در حال انجام دادن کنش‌هایی برای دیگری هستند، حتی زمانی که این دیگری خیالی یا فانتزی باشد. تمایز جنس و جنسیت گسستی رادیکال بین بدن‌های جنسیت یافته و جنسیت‌های ساخته شده‌ی فرهنگی را پیشنهاد می‌کند. مفهوم جنسیت ساخته شده، نوعی جبرگرایی در معنای جنسیت ارائه می‌دهد که بر بدن‌ها و کالبد‌های متفاوت، به‌عنوان دریافت‌کنندگان منفعل قوانین سخت فرهنگی، حکم می‌شود. از منظر باتلر، زمانی که فرهنگ، جنسیت را در قالب مجموعه‌ای از قوانین می‌سازد، به‌نظر می‌رسد که جنسیت از فرمول «زیست‌شناسی همان سرنوشت است» تبعیت می‌کند، و در واقع، فرهنگ تبدیل به سرنوشت می‌شود. سوژه‌ی جنسیت یافته راهمان بدنی تشکیل می‌دهد که خود نیز ساختاری از پیش تعیین شده است. در نتیجه، بدن‌ها پیش از نشانه‌ی جنسیت‌شان، وجودی قابل شناسایی، فهم پذیر و معقول ندارند (But- 2001, 12). (ler).

باتلر معتقد است که سیمون دوبووآر زنان را به‌عنوان «دیگری» تعیین می‌کند، در حالی که لوس ایریگاره بر این باور است که هم سوژه و هم دیگری، نقاط اتکای مردانه‌ای در معنابخشی به امور مردسالارانه هستند، که هدف تمامیت بخش خود را از طریق حذف امر زنانه تحقق می‌بخشند. باوجود تلاش‌های باتلر برای اثبات خلاف آن، دوبووآر پیشنهاد می‌کند که ابزار آزادی زنان باید بدن زنانه باشد و او دوگانگی ذهن و بدن و حتی ترکیب این دو را حفظ می‌کند. در سنت فلسفی‌ای که با افلاطون آغاز شده و از طریق دکارت، هوسرل و سارتر ادامه می‌یابد، تمایز وجودشناختی بین ذهن و بدن به خوبی مستند شده است. بدن تحت سلطه‌ی ذهن قرار دارد و ارتباطات فرهنگی بدن با زنانگی و ذهن با مردانگی پیوند خورده است. باتلر بر

قدرت را شکل می‌دهند. به این معنا، گفتمان بدنی نزد باتلر مجموعه‌ای از ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است که از طریق آن‌ها بدن، قابل فهم و قابل کنترل می‌گردد. این گفتمان‌ها نه فقط بازنمایی‌کننده‌ی قدرت‌اند، بلکه خود قدرت‌اند؛ چرا که توانایی تولید سوژه‌های جنسیتی را دارا هستند.

از دیدگاه باتلر، «جنس» امری زیست‌شناختی است، در حالی که «جنسیت» اکتسابی فرهنگی و شناور است. همان‌گونه که نفرین‌گویی از منظر باتلر نوعی کنش‌گری در گفتار محسوب شده و می‌تواند هویت، موقیت اجتماعی، و احساس فردی را شکل دهد، جنس نیز جنسیت فرد را تعیین می‌کند و جنسیت، حوزه‌ی تمایلات، گرایش‌ها، و کنش‌گری جنسی او را شکل می‌دهد. از طرفی، رابطه‌ی گفتگویی که هیر میان شخصیت‌های خود برقرار می‌سازد، بر اساس قدرت و اجراگری آن‌ها قابل شناسایی است. در دو نمایشنامه‌ی مورد بررسی در این مقاله، نفرین‌گویی کنشی اجرایی است که در خدمت جوامع زبانی محدود قرار دارد و قدرت، سرمایه و جنبه‌های پنهان سرمایه‌داری و تجارت را منتقل می‌کند. زنان هویت‌ها و امیال سرکوب شده‌ی خود را از طریق استفاده از همان زبانی که مردان برای خطاب قرار دادن آن‌ها به کار می‌گیرند، بازتولید می‌کنند. باتلر کتاب بدن‌هایی که مهم‌اند را با شرح تفاوت جنسی آغاز می‌کند و آن را به‌عنوان مسئله‌ای از تفاوت‌های مادی مطرح می‌سازد. او بیان می‌کند که «جنس» هم به‌مثابه هنجار و هم به‌عنوان بخشی از یک رویه‌ی تنظیم‌کننده عمل می‌کند که بدن‌ها را تحت سلطه‌ی خود می‌سازد. نیروی تنظیمی این هنجار نوعی قدرت تولیدکننده است که بدن‌ها را خلق می‌کند، به‌گردش درمی‌آورد، و آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازد. در مقدمه‌ی کتاب آشفستگی جنسیت، باتلر استدلال می‌کند که جنسیت نوعی کنش است که به شکل ناخواسته اجرا می‌شود. او

جنسیتی را تعیین می‌کنند. بنابراین، محدودیت‌ها در آنچه زبان به‌عنوان حوزه‌ی قابل‌تصور جنسیت ایجاد می‌کند، ساخته می‌شوند. ساخت اجباری جنسیت بر تثبیت کاذب آن در پی قانون‌مندی و تنظیم جنسیت در چارچوب تولید مثل دگر جنس‌گرایانه تأثیر می‌گذارد. کنش‌مندی در امکان تغییر، در تکرار نهفته است و هنگامی که گفته می‌شود سوژه شکل می‌گیرد، به این معناست که این سوژه نتیجه‌ی گفتمان‌هایی است که به‌طور خاص با قواعد خاصی اداره می‌شوند و هویت را به شکل قابل‌فهمی احضار می‌کنند. سوژه توسط قوانینی که آن را تولید می‌کند تعیین نمی‌شود، بلکه توسط تکرار مکرر یک فرآیند تنظیم شده تعیین می‌شود و قوانین خود را دقیقاً از طریق بازتولید آثار آن تحمیل می‌کند. اجراگری، تکرار مکرر مجموعه‌ای از هنجارهاست که در نتیجه، وضعیتی شبیه به کنش در زمان حال پیدا می‌کند. از طرفی، عمل گفتمان اجرایی آنچه را که نشانه‌گذاری می‌کند، انجام داده و بازتولید می‌کند. ظرفیت تولیدی گفتمان، بعدی از تکرارپذیری یا بازصورت‌بندی فرهنگی است که به‌مثابه فرایند بازدلالتی عمل می‌کند.

تحلیل

تختخواب رویین من و نقشه‌ی جهان اثر دیوید هیر

این نمایشنامه‌ها با بهره‌گیری از مفاهیم «گفتمان» و «بدن» از دیدگاه جودیت باتلر تحلیل می‌شوند تا به پرسش‌های مطرح شده پاسخ دهند. مضمون نمایشنامه تختخواب رویین من گذار از ایمان به سرخوردگی در دوران پس از جنگ تاجری است، چرا که عنوان آن به تصویری از مرگ اشاره دارد. این نمایشنامه از جهتی به کاندیدا اثر جورج برنارد شاو شباهت دارد؛ در هر دو اثر، مردی مسن، موفق و جذاب، مردی جوان‌تر و آسیب‌پذیرتر را به زندگی خود وارد می‌کند. در مثلث عاشقانه‌ای که شکل

این باور است که ساختار گفتاری دوبووار از بدن و تمایز آن از آزادی، در امتداد محور جنسیت تمایز بین ذهن و بدن را به وضوح مشخص نمی‌کند، زیرا او استدلال می‌کند که بدن زنانه در گفتار مردسالارانه نشانه‌گذاری شده است، درحالی‌که بدن مردانه در همپوشانی با امر کلی همچنان بدون نشانه باقی می‌ماند. فرایند درونی‌سازی هویت، یک خیال‌پردازی جانبی است که تبارشناسی خود را پنهان می‌کند و به‌مثابه واقعیت طبیعی جلوه می‌کند. بنابراین، «تبدیل شدن به جنسیت» فرآیندی پیچیده در طبیعی‌سازی هویت است که مستلزم تمایز لذت‌های بدنی بر اساس معانی جنسیتی است. امکان ندارد که بدن خیال‌پردازی شده براساس بدن واقعی درک شود، اما می‌تواند از طریق یک خیال فرهنگی دیگر دریافت شود. از این رو، سطح جنسیت یافته‌ی بدن به‌عنوان نشانه‌ی اساسی یک هویت و میل طبیعی شده ظاهر می‌شود.

باتلر در کتاب سوژه‌ی میل^۱ اشاره می‌کند که بدن سطح حک شده‌ی رخداده‌ها است. فرض بر این است که تمام فرهنگ بر انکار بدن مبتنی است و چنین حک‌شدگی‌ای لحظه‌ی تنظیم و معنابخشی است. بنابراین، بدن‌های گوناگون، سطح حک شده‌ی تاریخ، نژاد و قومیت هستند (Butler 1987, 273). لذا در اندیشه‌ی باتلر، بدن یک امر پیشینی و طبیعی تلقی نمی‌شود، بلکه سطحی است که در آن قدرت و گفتمان‌های اجتماعی و فرهنگی آثار خود را حک می‌کنند. این دیدگاه بدن را به‌مثابه محل تلاقی نیروهای زبانی، سیاسی و فرهنگی در نظر می‌گیرد. محدودیت‌های تحلیل گفتمانی جنسیت، احتمال و امکان بخشی به پیکربندی‌های جنسیتی در فرهنگ را شامل می‌شود. اصطلاحات گفتمان فرهنگی هژمونیک که بر ساختارهای دوگانه جنسیت استوار است، به‌عنوان زبان عقلانیت عام ظاهر می‌شوند و مرزهای

1. *Subject of Desire*

داشته بودند. آن‌ها در او ترسی دائمی از سقوطی بزرگ در آینده القا کرده بودند. او به این نتیجه رسید که هیچ سقوطی نمی‌تواند به اندازه‌ی ترس از آن سقوط وحشتناک باشد. برای حفظ و تشدید این ترس، آن‌ها عزت‌نفس او را از بین می‌بردند (Hare 2008, 2).

بدن جنسیت یافته‌ی السا و پاول درون سلسله مراتبی شکل گرفته است که هر دوی آن‌ها به راحتی تسلیم برقراری رابطه‌ی جنسی ممنوعه شدند. گفتمان‌های شدید جلسات AA، احساسی از غیرقابل درمان بودن اعتیاد را در هر دو شخصیت معتاد سابق تشدید می‌کند. بر اساس دیدگاه باتلر، گفتمان فقط به معنای سخن گفتن و یا مکالمه نیست، بلکه به‌طور خاص به مفاهیم فوکویی گفتمان به‌عنوان «گروه‌های بزرگی از گزاره‌ها» اشاره دارد که نحوه‌ی سخن گفتن و درک ما از یک دوره‌ی تاریخی خاص را کنترل می‌کنند (Salih 2002, 47). بدن خارج از گفتمان‌های جنسیت یافته‌ی فهم‌پذیر نمی‌تواند وجود داشته باشد، بنابراین هیچ بدنی وجود ندارد که از پیش جنسیت یافته نباشد. ما تنها از طریق گفتمان می‌توانیم مادیت بدن را درک کنیم. پیوند عاطفی بین السا و پاول موجب شد که بدن‌هایشان مستقل از هنجارهای جامعه تسلیم خواسته‌هایشان شود و به‌سمت اجرای واقعیت جنسیتی شان برود. پاول، ضعف را عامل بازگشت به مصرف الکل میدانند و اشاره می‌کند که بدون الکل نمی‌تواند السا را دوست داشته باشد. در واقع، الکل باعث می‌شود که شخصیت پاول به‌طور موقت، جنسیت مشروع و اجراگری گفتمانی خود را که منطبق با هنجارهای اجتماعی است، رها کرده و بر اساس واقعیت جنسیتی جدید خود که کاملاً هنجارهای اجتماعی را در هم می‌شکند، عمل کند. بدن ساختاری خیالی است که از میل ناشی می‌شود و میل، بدن و جنسیت فهم‌پذیر را دگرگون می‌کند. بنابراین بدن پایدار و ثابت نیست؛ بلکه تحت‌تأثیر گفتمان و قانون ساخته و بازتولید می‌شود. جنس و جنسیت فهم‌پذیر، کنش‌هایی

می‌گیرد، مرد جوان تر پیروز می‌شود. بر اساس دیدگاه باتلر، همه دلالت‌ها در چارچوب تکرار شکل می‌گیرند. تملک و فرودستی دیالکتیکی دیگری^۱ تاکتیکی است که برای گسترش و عقلانی‌سازی حوزه‌ی مردسالارانه به کار گرفته می‌شود. آن‌چه ویکتور انجام می‌دهد، فرودست‌سازی دیالکتیکی پاول از همان ابتدای دیدارشان است. پاول زمانی به معنادهی و فهم‌پذیری می‌رسد که فرصتی برای اجرای تعاملات اجتماعی به او داده می‌شود. باتلر در کتاب نیروی عدم خشونت^۲ استدلال می‌کند که افراد برای رسیدن به خودکفایی از وابستگی عبور نمی‌کنند، بلکه با پذیرش وابستگی متقابل به برابری دست می‌یابند. انواع مختلف قدرت‌های استعماری می‌کوشند وابستگی جمعیت مستعمره را برقرار کنند تا اقتدار استعماری خود را حفظ کنند (Butler 2020, 40).

ویکتور از گذشته‌ی پاول و اعتیادش به الکل آگاه شده و تأکید می‌کند که گروه‌های خودیاری AA خواهان اطاعت محض هستند، که به باور او صحیح نیست. او ترجیح می‌دهد که پاول به جای شرکت در این جلسات، در خلوت خود به درمان اعتیادش بپردازد و تأکید می‌کند که اگر پاول هرگز اجازه‌ی نوشیدن نداشته باشد، به معنای درمان واقعی نیست. السا، همسر ویکتور، نیز در گذشته به الکل اعتیاد داشت اما به دلیل احساس بی‌ارزشی که این جلسات به اعضای خود تلقین می‌کنند، جلسات AA را ترک کرد. ویکتور زمانی که هنوز با السا دوست بود، درباره‌ی او چنین توضیح می‌دهد:

ویکتور: دوستم احساس می‌کرد که آن‌ها وابستگی او به مواد را با وابستگی به قهوه و اعتراف، یا آن‌چه شما دایره‌ی وحشتناک صندلی‌ها می‌نامید، جایگزین کرده‌اند. آن‌ها او را - چگونه بگویم؟- در نوعی اضطراب معلق نگه

1. Performativity

2. *The Force of Nonviolence*

طبیعی»)، بلکه به مثابه بستر اجرای مکرر همان هویت جنسیتی که او را شکست خورده تعریف می‌کند، ظاهر می‌شود. از دیدگاه نظریه‌ی باتلر، این وضعیت دقیقاً نمونه‌ای از اجراگری هویتی است؛ جایی که بدن صحنه‌ای است که گفتمان‌ها و نیروهای اجتماعی روی آن حک شده و سوژه بازتولید می‌شود. چنین اجراگری‌هایی دقیقاً مطابق با آن چیزی است که باتلر درباره‌ی بدن بیان می‌دارد: «کنش‌گران همیشه از پیش بر صحنه هستند، در چارچوب عملکرد اجراگری. همان‌طور که یک متن نمایشی ممکن است به روش‌های گوناگون اجرا شود، و همان‌طور که نمایش به هر دو عنصر متن و تفسیر نیاز دارد، بدن جنسیت یافته نیز نقش خود را در فضایی مادی که از نظر فرهنگی محدود شده است، ایفا می‌کند و تفسیرهایی را در چارچوب دستورالعمل‌های از پیش موجود به نمایش می‌گذارد (Butler 1988, 526). در ادامه‌ی تحلیل، در صحنه سه، السا بیان می‌کند:

تو می‌خواهی من زنی باشم که نجات می‌دهد، یا زنی که نابودش می‌کنی؟ در هر صورت من چیزی هستم که تو خلق می‌کنی (Hare 2008, 45).

با این اظهار، السا نظر صریح خود را درباره‌ی چگونگی شکل‌گیری نقش زنانه‌اش از طریق تصویر مردانه بیان می‌کند. او نه تنها خود را در برابر این توقع منفعل می‌بیند، بلکه با آن کاملاً مخالف است. در چارچوب نظریات باتلر، السا نمونه‌ای از «جنسیت فهم‌پذیر» است که با اعمال هنجارهای گفتمانی مردانه ساخته می‌شود؛ اما او این ساختار را آگاهانه زیر سؤال می‌برد و نشان می‌دهد که جنسیت فهم‌پذیر تنها یک تولید فرهنگی است که می‌توان نسبت به آن مقاومت کرد. این تحلیل می‌تواند به بررسی قدرت سوژه و نقش زبان در تعریف یا بازتعریف هویت جنسیتی کمک کند. گفتمان جلسات AA افرادی را شکل داده که نماینده‌ی نوعی تضمین گفتمانی چندگانه

اجرای هستند که به صورت اجراگرایانه عمل کرده و ظاهراً ثبات بدنی را ایجاد می‌کنند که مورد پذیرش جامعه و با هنجارهای اجتماعی منطبق باشند (۵۷). سال‌ها اعتیاد و طرد شدن از سوی جامعه، السا و پاول را تا حد از دست دادن اعتماد به نفس و هویت‌شان آسیب‌پذیر کرده است، به طوری که کنش‌های بدنی آن‌ها نتیجه‌ی گفتمانی است که از سر گذرانده و تجربه کرده‌اند. باتلر تأکید می‌کند که بدن به مثابه واسطه‌ی منفعل شناخته می‌شود که از طریق گفتمان فرهنگی موجود در یک جامعه که به عنوان امری خارجی نسبت به بدن توسط آن بازتولید می‌شود، شکل می‌گیرد (Leitch 2001, 2491). بدن پاول نخست توسط ویکتور معنا یافته است که او را به کار گرفته و تلاش کرده است به او اعتماد به نفس بدهد، و سپس توسط السا که او را به رابطه‌ی جنسی سوق داده است. پاول تصمیم به فرار می‌گیرد، زیرا اصول و هنجارهای اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی در تضاد با اجراگری او هستند.

انفعال بدن پاول زمانی آشکار می‌شود که او از لحظه‌ای که عاشق السا می‌شود، قادر به کنترل نوشیدن الکل نیست. اخیراً جودیت باتلر به ماتریالیسم تاریخی متوسل شده است تا این دیدگاه که ستم جنسی صرفاً فرهنگی است را به چالش بکشد. (Jackson 2001, 283) السا و پاول در یک فرهنگ مشابه و گفتمان بدنی مشترک سهیم هستند که جنسیت فهم‌پذیر آن‌ها را تعریف کرده و منجر به اجرای اعمال بدنی مشابهی می‌شود. در تحلیل نقش بدن و جنسیت، پاول در یکی از گفت‌وگوهای حساس می‌گوید: اگر میل همیشه قوی‌تر از کنترل باشد، پس من چه هستم جز تکرار همان اشتباه؟ (Hare 2008, 32).

این جمله ساختارگرایانه نشان می‌دهد که میل و فرآیندهای درونی، برخلاف تصور عمومی، امری ارادی یا ذاتی نیستند بلکه حاصل تکرار اجتماعی هنجارهای فرهنگ مردانه‌اند. بدن پاول نه به عنوان یک «خودآگاه

باتلر استدلال می‌کند که [...] نشان‌گرهای گفتمانی هویت، مانند نژاد، جنس، قومیت و غیره، به‌عنوان موادی که جسمانیت واقعی بدن را تشکیل می‌دهند، نمایان می‌شوند. در نتیجه، آنچه به‌نظر می‌رسد از لحاظ مادی پایه‌گذاری شده است، در واقع به‌صورت گفتمانی ساخته شده و بنابراین در حال تغییر است، علیرغم اینکه در ماده‌ای که ظاهراً تغییرناپذیر است، جای گرفته است» (96 Wright 2006). مهتا تلاش می‌کند تا از طریق گفتمان با استیون، سلسله مراتب خود را حفظ کند. او خود را به هیچ وجه یک هندی نمیداند تا جایی که نه تنها از طریق گفتمان مشترک خود با استیون، بلکه برای بدن پگی نیز وارد رقابت با او که انگلیسی است، می‌شود. در یکی از سکانس‌های دراماتیک اولیه، مهتا بیان می‌کند:

آن‌ها می‌خواهند من از فرهنگی حرف بزنم که دیگر آنرا نمی‌شناسم. برای آن‌ها به اندازه کافی هندی نیستم. برای تو هم به اندازه کافی غربی نیستم (Hare 1982, 18).

این جمله نشان‌دهنده بحران هویت در مرزهای گفتمانی، متضاد فرهنگ است. بدن او در کشاکش گفتمان‌های قدرت قرار دارد و هویت او نه برآمده از یک من ثابت، بلکه محصول فرایندهایی است که در تداخل میان دو نظام فرهنگی شکل می‌گیرد. باتلر اشاره می‌کند که هویت جنسیتی و فرهنگی ثابت نیستند، بلکه نتیجه‌ی تکرارهای اجتماعی‌اند. مهتا به‌دلیل غرور و تکبری که از احساس قدرت ناشی می‌شود، تمایلی به صحبت با استیون ندارد. مهتا به‌عنوان فردی که در هند متولد شده است، در مقیاس بین‌المللی از کمبود عزت نفس رنج می‌برد. حرفه رمان‌نویسی، او را در فرهنگ انگلیسی منزوی کرده است، اما ارتباطش با قدرتی که سازمان ملل برایش به ارمغان می‌آورد، باعث شده است که در کنفرانس احساس برتری اغراق شده‌ای داشته باشد. از نظر باتلر، نظریه اجراگری و هژمونی جهان شمول هستند. در این

هستند و این امر، امکان عاملیت را به آن‌ها می‌دهد. اطاعت، اصل اساسی در گفتمان جلسات AA است که هر دو شخصیت، پاول و السا، پس از ترک الکل در آن شرکت می‌کردند. اجراگری این گفتمان چنان بدن آن‌ها را تحت تأثیر قرار داد که باعث شد هر دو به ویکتور خیانت کنند؛ در حالی که آنچه تجربه کردند، عشق واقعی نبود، بلکه نوعی عشق به دردسر و آشوب و فرار از گفتمان دیکته شده به آن‌ها بود.

گفتمان و بدن دو پدیده‌ی متمایز در نمایشنامه نقشه‌ی جهان هستند که دارای شخصیت‌هایی است که گفتمان‌شان بر اجراگری بدن‌هایشان تأثیر می‌گذارد. این کم‌دی درباره‌ی سیاست جهانی و زندگی خصوصی افراد است. ویکتور مهتا یک رمان‌نویس هندی است که آداب و رسوم متمایز اروپایی را اجرا می‌کند. او برای شرکت در کنفرانس فقر سازمان ملل به هند سفر کرده و در هتلی اقامت دارد که پگی ویتون، نوازنده‌ی آمریکایی و بولن جز، نیز در آن ساکن است. علاوه بر این، یک روزنامه نگار جوان، آرمان گرا و چپ‌گرا به نام استیون اندروز نیز در مناظرات سازمان ملل شرکت می‌کند. ویکتور و استیون از نظر سیاسی با یکدیگر تضاد دارند، در حالی که پگی بدن خود را به هر یک از این دو مرد که در مناظره پیروز شود، پیشنهاد می‌دهد. اجراگری جنسیت، توهم وجود یک بنیان یا ذات را ایجاد می‌کند (Jagger 2008, 21). آنچه پگی به‌عنوان واقعیت جنسیتی خود اجرا می‌کند، در واقع شکستن هنجارهای قدیمی در مورد وجود اجتماعی بدن و جنسیت معقولش است. فرهنگ و گفتمان آمریکایی، جنسیت فهم‌پذیر پگی را به‌گونه‌ای شکل داده که ارائه‌ی بدنش به مثابه ابزار جنسی برای مردان، نشانه‌ای از سلسله مراتب مردسالارانه‌ای است که او در پی دستیابی به آن است؛ در حالی که نسبت به فرهنگ انگلیسی و هندی استیون و مهتا، او همواره احساس برتری می‌کند.

قدرت تولیدی آن وابسته به گسست از بستر و قصد اولیه خود است و بازتولید آن تحت کنترل هیچ سوژه خاصی نیست» (Butler 1997, 94). چارچوب های اجتماعی انگلستان جنسیت مهتا را شکل داده اند، زیرا بدن ها تکرار مداوم درک فرهنگی هستند. مرزهای جنسی و ملی ممکن است برای مدتی، فضای گفتمانی خاصی را تعیین کنند؛ با این حال، آن ها به اندازه یکدیگر ثابت نیستند (2015, 257, Butler). با پیروی از مفاهیم باتلری، مشخص است که معنا، فرآیندی از اجراگری است که به تکرار و تداوم وابسته است. تجسم جنسیت فهم پذیری که مورد پذیرش جوامع است، شامل به کارگیری بدن به شیوه های خاص، صحبت کردن و آراستن بدن با انواع خاصی از مصنوعات فرهنگی است (Orr ۲۰۱۲, ۱۹). در این نمایشنامه، شخصیت اصلی زن یعنی پگی، الگوی مثبتی ارائه نمی دهد. واقعیت جنسی بدن او که به عنوان رسانه ای منفعل شناخته می شود، به هر یک از مردان این نمایشنامه عرضه می شود تا از طریق آن، فعالیت یا اجراگری ای را به دست آورد که مبتنی بر فرهنگ است. رفتار پگی نشان دهنده شکل گیری هویت جنسیتی او بر اساس چارچوب های فرهنگی است که در آن بدن زن به عنوان یک شیء جنسی و ابزار رقابت مردانه تعریف می شود. این نمایشنامه تأکید دارد که جنسیت و ملیت به عنوان ساختارهایی گفتمانی، نه ثابت بلکه سیال و قابل تغییر هستند، و بدن ها تحت تأثیر این گفتمان ها به بازتولید معنا می پردازند. «هنجار همان قانون یا قاعده نیست. هنجار در درون رویه های اجتماعی به عنوان استاندارد ضمنی نرمال سازی عمل می کند. اگرچه ممکن است هنجار از نظر تحلیلی از رویه هایی که در آن ها نهفته است جدا شود، اما ممکن است در برابر هر تلاشی برای خارج کردن آن از بستر خود مقاومت کند» (Har- 2010, 32, rison).

عملگرایی شخصیت انحرافی پگی خارج از هنجارهای

زمینه، او بر این نکته تأکید دارد که چگونه جهان اجتماعی در سطوح مختلف کنش های اجتماعی، در ارتباطات تعاملی با قدرت شکل می گیرد و هویت سوژه ها را تعریف می کند (Butler 2000, 14). دیدار مهتا و استیون به عنوان یک کنش اجتماعی مستقیماً تحت تأثیر اقتداری است که مهتا قصد اجرا و تحمیل آن را دارد. همان طور که جویدیت باتلر اشاره می کند: «اجرای متفاوت جنسیت می تواند هم به بازتولید و هم به چالش کشیدن نظم جنسیتی منجر شود، زیرا هنجارهای جنسیتی را بی ثبات می کند. این نوع فعالیت، طبیعی بودن دسته بندی های مردانگی و زنانگی را به چالش می کشد، زیرا ارتباط این هویت ها با بدن های خاص را بی ثبات می سازد (Pascoe 2007, 151). اجراگری مهتا امری طبیعی و ذاتی نیست، بلکه کاملاً از هژمونی حاصل شده و به طور مداوم تکرار می شود. او تلاش می کند تا در مقام یک رمان نویس، دانش خود را به نمایش بگذارد، اما صرفاً اعمال فردی را آگاهانه تقلید می کند. استیون معتقد است که هر آنچه مهتا بیان می کند، بی ارتباط با موضوع بحث است زیرا او دائماً در حال اجراگری گفتمانی است که منجر به بازتولید هویت او می شود. باتلر اظهار می کند: [...] «گفتمان ها واقعاً در بدن ها زندگی می کنند. آن ها در بدن ها جای می گیرند؛ در واقع، بدن ها گفتمان ها را به عنوان بخشی از حیات خود حمل می کنند. و هیچکس نمی تواند بدون اینکه به نوعی توسط گفتمان حمل شود، زنده بماند (Mei- 1998, 282, jer). مهتا با اجرای گفتمانی غالب، در نهایت یک هندی سیاهپوست است که به دلیل ملیتش در موقعیت فرودست قرار دارد. او با تحمیل گفتمان خود، سعی دارد برتری بدنش را نیز اعمال کند و از این طریق، احساس حقارت نژادی هندی خود را پنهان سازد.

باتلر بیان می کند: «اینکه خود گفتمان به عنوان بیان مکرر قانون بازدارنده تکثیر می شود، نشان می دهد که

هنجارهای اجتماعی به‌عنوان پدیده‌های روانی عمل می‌کنند، امیال ذاتی را محدود کرده و شکل می‌دهند و از طریق محدود کردن حوزه معناداری اجتماعی، شکل‌گیری سوژه را تنظیم می‌کنند (Butler-1997, 21). رفتار پگی نه تنها چالشی برای ساختارهای سنتی جنسیت و روابط قدرت است، بلکه نشان دهنده توانایی او در فراتر رفتن از هویت‌های تثبیت شده و به چالش کشیدن بازنمایی‌های محدود کننده از زنانگی است. از این منظر، بدن پگی به صحنه‌ای برای منازعات گفتگویی میان هنجارهای پدرسالارانه و اشکال جدیدی از سوژه‌گی تبدیل می‌شود. «پاسخ‌های ما به محیط‌های اجتماعی در طول زمان بخشی از چیزی است که به‌عنوان حقایق بدن زیستی شناخته می‌شود. افزون بر این، چنین مفهومی نشان می‌دهد که جدا کردن بدن از گفتمان فرهنگی امکان‌پذیر نیست» (Reddy 2004, 118). بنابراین، مهتا صرفاً بازتکرار تقلیدی از محیط اجتماعی انگلستان را اجرا می‌کند. این اجراگری، توهمی از محدودیت‌های تولیدی طرح‌واره‌های تنظیم‌کننده جنسیت فهم‌پذیر و هم‌خوان با هنجارهای موجود است. یک سوژه مجبور به تکرار هنجارهای تثبیت شده است و چنین تکراری می‌تواند زمینه‌ای برای خطر باشد، زیرا اگر فرد نتواند این هنجارها را به درستی بازتولید کند، در معرض تحریم اجتماعی قرار می‌گیرد و احساس می‌کند که وجودش تهدید شده است. آنچه مهتا در تلاش برای انجام آن است، با شکست مواجه می‌شود و او به سوژه‌ای برای انتقاد بدل می‌شود؛ انتقاد از احساس ناامیدی، افسردگی و انزوایی که تجربه می‌کند.

نتیجه‌گیری

اثر واقعی و محسوس جنسیت به صورت اجراگرایانه تولید می‌شود؛ بنابراین، جنسیت امری از پیش موجود یا ذاتی نیست. شخصیت‌های نمایشنامه‌های هیر

جامعه پدرسالارانه هند قرار دارد. این در حالیست که مهتا از قدرت خود برای خطاب قراردادن^۱ بدن پگی استفاده می‌کند تا تطابق سیاسی و جنسیتی خود را با هژمونی جامعه انگلیسی اثبات کند. مهتا که متأهل و دارای یک پسر است، در برابر استیون، روزنامه‌نگار سفیدپوست غربی که مجرد است و احتمالاً پگی را به‌دست خواهد آورد، حالت تدافعی به خود می‌گیرد. در صحنه دو پگی این جمله را بیان می‌کند:

من به هیچ هدفی نیاز ندارم، یقه باز لباسم رو دارم و این جووری جهان رو دگرگون می‌کنم (Hare 1982, 27).

در این جا، پگی بدن زنانه‌اش را به‌عنوان ابزار اجرایی برای مداخله در گفتمان سیاسی معرفی می‌کند. او به‌شکلی طنزآمیز نشان می‌دهد که چگونه گفتمان بدنی می‌تواند هم به‌عنوان ابزار برای تقویت هنجار غالب عمل کند و هم زمینه‌ای برای بازی با این هنجارها فراهم آورد. از منظر باتلر، چنین اجرای اغراق‌آمیزی از جنسیت فهم‌پذیر می‌تواند هم به بازتولید نظم موجود کمک کند و هم به گسست نسبت به آن منجر شود. بدن پگی به‌عنوان سطحی که گفتمان در آن حک شده، هم رفتار قابل فهم را اجرا می‌کند و هم امکان بازنمایی بدیل را باز می‌گشاید. باتلر تصریح می‌کند که زن بودن، فرآیندی است برای زن شدن، نه تسلیم شدن در برابر یک وضعیت هستی‌شناختی از پیش تعیین شده. زن شدن یک فرآیند پویا و متشکل از تملک، تفسیر و بازتفسیر امکانات فرهنگی دریافت شده است (Butler 1986, 36). بر اساس آنچه پگی از فرهنگ آمریکا دریافت کرده است، او گفتمانی را اجرا و تمرین می‌کند که خارج از اصول اجتماعی هند قرار دارد. پگی انفعال زن در چارچوب پدرسالارانه را ویران می‌کند که این امر منجر به نامفهوم بودن او در چارچوب هنجارهای پذیرفته شده اجتماعی می‌شود.

1. Interpellate

هنجارهای موجود فاصله گرفته و هویت‌های جنسیتی و اجراگری‌های بدنی جدیدی را بازتولید کرده‌اند.

در نمایشنامه‌های مذکور، هویت جنسیتی از طریق انکار فقدان‌های شکل می‌گیرد که در بدن به‌عنوان محلی برای حک شدن هنجارها بازتولید می‌شود. باتلر هویت اصلی بدنی را که جنسیت خود را بر اساس آن شکل می‌دهد، تقلیدی میدانند که بدون منبع یا اصالت یا پیش فرض است، زیرا بدن محل اجرا و بازتولید مجموعه‌ای از معناها و هنجارهاست. در نتیجه، نمایشنامه‌های هیرنه تنها فرایند بازتولید هنجارهای اجتماعی را به چالش می‌کشند، بلکه نشان می‌دهند که هویت جنسیتی در معرض تغییر دائمی است و تنها از طریق تکرار و اجرا تثبیت می‌شود. از آنجایی که بدن‌ها به‌عنوان دریافت‌کنندگان منفعل قوانین سخت‌گیرانه‌ی فرهنگی تلقی می‌شوند، سطح جنسیتی شده‌ی بدن به‌عنوان نشانه‌ی ضروری هویتی طبیعی شده و میل جنسی ظاهر می‌شود، به طوری که بدن به مثابه سطحی است که رویدادها بر آن حک شده‌اند. از بررسی نمایشنامه‌های تختخواب رویین من و نقشه جهان می‌توان نتیجه گرفت که هویت یک سوژه خارج از گفتمان‌های فرهنگی قابل‌شناسایی و تحقق نیست. ممنوعیت‌های اجتماعی الزام‌آور، شرایط گفتمانی‌ای را ایجاد می‌کنند که در آن، فرد تلاش می‌کند تا تصویری از تعاملات بدنی طبیعی و استاندارد را بسازد. از این منظر، نمایشنامه‌های دیوید هیر نشان می‌دهند که هویت‌های جنسیتی و بدنی نه امری ذاتی، بلکه برساخت‌هایی هستند که در اثر تکرار و اجرای هنجارهای فرهنگی شکل می‌گیرند.

هدف این پژوهش ارزیابی اهمیت ایده‌های تأثیرگذار جودیت باتلر در مطالعات ادبی بوده است. ایده‌های او به تفسیر متون داستان‌هایی کمک می‌کند که دگرگونی هویت سوژه را از طریق زبان و اجراگری مبتنی بر گفتمان بدنی به تصویر می‌کشند. نگاهی انتقادی به هنجارهای

جنسیت‌هایی سیال دارند که با مفاهیم باتلری درباره‌ی تغییرپذیری مستمر جنسیت از طریق اجراگری سازگار است. افزون بر این، محورهای روابط قدرت، هویت شخصیت‌ها را شکل می‌دهند. همان‌طور که عنوان شد، در نمایشنامه تختخواب رویین من، السا، همسر ویکتور، برای درک واقعیت هویتی خویش به شوهرش وابسته است. ویکتور به‌عنوان یک چهره مردانه مسلط، آن‌چه را که السا و بعدها پاول در زندگی کم دارند، به آن‌ها می‌دهد. با این حال، هر دو در پایان نمایشنامه با برقراری رابطه‌ای خارج از ازدواج به ویکتور خیانت می‌کنند. این خیانت ناشی از بدن‌های فرودستی است که هر دو شخصیت در نتیجه رژیم‌های گفتمانی مشترک در فرقه‌های الکلی‌های گمنام AA پذیرفته‌اند. در نمایشنامه نقشه جهان، استیون، روزنامه‌نگار انگلیسی، هنگام اقامت در هتل با مهتا و پگی در هند، هنجارهای اجتماعی فرهنگ خود را بازتولید می‌کند. براساس نظریات باتلر، ما همگی اجراگرانی هستیم که بر مبنای الزامات فرهنگی عمل می‌کنیم. هر شخصیت براساس مکان تولد و رشد خود عمل می‌کند، به جز مهتا که کشور محل تولد خود را دست کم می‌گیرد؛ چراکه در تلاش است تا شخصیتی مردانه از فرهنگ سفیدپوست غربی را تقلید کند. بدن‌های برساخت شده‌ی این شخصیت‌ها تحت تأثیر قوانین فرهنگی سخت‌گیرانه‌ای بازتولید شده‌اند که مبتنی بر هنجارهای جنسیتی، فرهنگی، و زبانی جامعه است. آن‌چه ما به‌عنوان ویژگی طبیعی یا ذاتی خود به‌عنوان واقعیت جنسیتی مان تلقی می‌کنیم، در واقع یک هنجار فرهنگی است که از طریق تکرار اعمال فیزیکی خاص که به دوگانه‌ی مذکر/مونث تقسیم می‌شود، بازتولید شده و درونی‌سازی^۱ می‌شود. در نمایشنامه‌های دیوید هیر، شخصیت‌هایی وجود دارند که وضعیت اجتماعی و فهم‌پذیری جنسیتی آن‌ها از

1. Internalization

این مقاله از هیچ گونه حمایت مالی برخوردار نبوده است.
 هر دو نویسنده در تهیه مقاله مشارکت داشته‌اند.
 هیچ گونه تعارض منافع شخصی یا سازمانی وجود ندارد.

الزامی که هویت فرد را شکل می‌دهند، نشان می‌دهد که این هنجارها ناپایدار و وابسته به شرایط هستند و در نتیجه، این هنجارها قابلیت براندازی و باز معنایزدی را دارند. هر یک از شخصیت‌های نمایشنامه‌های هیر بر اساس نظریه‌ی اجراگری باتلر از منظر اعمال فیزیکی آن‌ها در ارتباط با هویت، زبان، بدن و گفتمان مورد بررسی قرار گرفتند. شخصیت‌ها در این آثار نمایانگر تقابل‌ها، مقاومت‌ها و گاه تسلیم در برابر این ساختارهای قدرت هستند، و بدین ترتیب موقعیت‌های پیچیده و چندوجهی جنسیت فهم‌پذیر را به تصویر می‌کشند. این روند نه تنها ماهیت فرهنگی و اجتماعی هویت را برجسته می‌کند، بلکه نشان می‌دهد که چگونه سوژه‌ها می‌توانند از طریق اجرای آگاهانه یا ناخودآگاه هنجارها به بازتولید یا دگرگونی این هویت‌ها بپردازند. از این رو، اهمیت پژوهش حاضر در تأکید بر نقش اجراگری و گفتمان بدنی به عنوان ابزارهایی کلیدی برای فهم واقعیت جنسیتی و ساخت هویت‌های معاصر است. چنین نگاهی، که مبتنی بر نظریات جودیت باتلر است، امکان تحلیل دقیق‌تر و انتقادی‌تر نمایشنامه‌ها را فراهم می‌آورد و فراتر از نگاه‌های ثابت و سنتی به هویت، تصویری پویاتر و منعطف‌تر از فرآیندهای شکل‌گیری جنسیت ارائه می‌دهد. بدین ترتیب، این پژوهش نه تنها به غنای مطالعات ادبی و جنسیتی کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ای برای بازخوانی و بازاندیشی در مورد نقش بدن و گفتمان را فراهم می‌کند. یافته‌ها نشان داد که آنچه ما از طریق تکرار اعمال فیزیکی خود بازتولید می‌کنیم، امری درونی نیست؛ بنابراین، هیچ چیز در درون ما ذاتی نیست؛ زیرا هژمونی جنسیتی، قلمرو فرهنگی فهم‌پذیری جنسیتی را کاملاً در بر می‌گیرد و نمایشی از اجراگری‌های اجتماعی ما را به قدری عمیق و ناپیدا در ما نهادینه می‌کند، که همه چیز پیشاگفتمانی و طبیعی بنظر می‌رسد.

References

1. Bowring, Michèle. 2009. *Learning at the Border: Gender, Sex and Sexuality in the Hypergendered Organizations*. PhD diss., University of Leicester.
2. Brenton, Howard, and David Hare. 1988. *Pravda*. London: Methuen.
3. Brook, Christina. 2010. *Recitations: The Critical Foundations of Judith Butler's Rhetoric*. PhD diss., McMaster University.
4. Butler, Judith. 2001. *Bodies That Matter: On the Discursive Limits of Sex*. London: Taylor and Francis.
5. Butler, Judith, Ernesto Laclau, and Slavoj Žižek. 2000. *Contingency, Hegemony, Universality: Contemporary Dialogues on the Left*. London: Verso.
6. Butler, Judith. 1997. *Excitable Speech: A Politics of the Performative*. New York: Routledge.
7. Butler, Judith. 2006. *Gender Trouble: Feminism and the Subversion of Identity*. New York: Routledge.
8. Butler, Judith. 1988. "Performative Acts and Gender Construction: An Essay in Phenomenology and Feminist Theory." *Theater Journal* 40 (4): 519–31.
9. Butler, Judith. 2009. "Performativity, Precarity and Sexual Politics." *AIBR* 4 (3): 1–13.
10. Butler, Judith. 1997. *The Psychic Life of Power: Theories in Subjection*. Stanford, CA: Stanford University Press.
11. Butler, Judith. (1986). "Sex and Gender in Simone de Beauvoir's *The Second Sex*." *Yale French Studies* 72 (1): 35–49.
12. Butler, Judith. 1987. *Subject of Desire: Hegelian Reflections in Twentieth-Century France*. New York: Columbia University Press.
13. Butler, Judith. 2020. *The Force of Nonviolence: An Ethico-Political Bind*. London: Verso.
14. Claeys, Sarah. 2006-7. *How to Do Things with Butler: An Inquiry on the Origin, Citation and Application of Judith Butler's Theory of Performativity*. PhD diss., Ghent University.
15. Coates, Stephen. 1989. *Alien Nation: David Hare's History Plays*. PhD diss., University of Canterbury.
16. Fyffe, Laurie. 2010. *Political Theater Post 9/11: The Age of Verbatim, of Testimony, and of Learning from Fictional Worlds*. PhD diss., University of Ottawa.
17. Grossetti, Adam. 2007. *It Made You Feel What? Using Structure to Convey Theme*. PhD diss., University of Queensland.

18. Hare, David. 2008. *David Hare: Plays*. London: Faber and Faber.
19. Hare, David. 1986. *The Asian Plays by David Hare*. London: Faber and Faber.
20. Hare, David. 1995. *Skylight*. London: Faber and Faber.
21. Harrison, K. 2010. *Discursive Skin: Entanglements of Gender, Discourse, and Technology*. PhD diss., Linköping University.
22. Hough, Amie M. 2010. *An Exploration of Selected Concepts from Judith Butler: With Application to the Understanding of Gender Identity in Social Work Practice with Marginalized Female Adolescents*. PhD diss., University of British Columbia.
23. Jackson, Stevi. 2001. "Why a Materialist Feminism Is (Still) Possible and Necessary." *Women's Studies International Forum* 24 (3/4): 283–93.
24. Jagger, G. 2008. *Judith Butler: Sexual Politics, Social Change, and the Power of the Performative*. Abingdon: Routledge.
25. Karhu, Sana. 2017. *From Violence to Resistance: Judith Butler's Critique of Norms*. PhD diss., University of Helsinki.
26. Knowles, Adam Daniel. 2003. *Memories of England: British Identity and the Rhetoric of Decline in Postwar British Drama, 1956-1982*. PhD diss., University of Texas.
27. Leitch, Vincent B. 2001. ed. *The Norton Anthology of Theory and Criticism*. New York: W.W. Norton & Company.
28. Meijer, I. C., and Baukje P. 1998. "How Bodies Come to Matter: An Interview with Judith Butler." *Signs* 23 (2): 275–86.
29. My Zinc Bed. 2008. Directed by Anthony Page. Screenplay by David Hare. Performed by Paddy Considine, Jonathan Pryce, and Uma Thurman. New York: HBO Films.
30. Orr, C. E. 2012. *Bodies, Deviancy, and Socio-Political Change: Judith Butler on Intelligibility*. PhD diss., Queen's University.
31. Pascoe, C. J. 2007. *Dude, You're a Fag: Masculinity and Sexuality in High School*. Berkeley: University of California Press.
32. Peña Anllo, Romina. 2013. "David Hare's Skylight: When the Political Becomes Personal." *Journal of Artistic Creation and Literary Research* 1 (2): 50–61.
33. Presada, Diana. 2007. *David Hare: Attacking the Humanist Tradition of Social Drama*. PhD diss., University of Ploiesti.
34. Rabey, David Ian. 2003. *English Drama Since 1940*. London: Longman.
35. Reddy, V. 2004. "Interview with Judith Butler." *Agenda: Empowering Women for Gender Equity* 2 (1): 115–23.

36. Salih, Sara. 2002. *Judith Butler*. Abingdon: Routledge.
37. Selden, R., Peter Widdowson, and Peter Brooker. 2005. *A Reader's Guide to Contemporary Literary Theory*. 5th ed. Harlow: Longman.
38. Wright, M. W. 2006. *Disposable Women and Other Myths of Global Capitalism*. New York: Routledge.